

## خرق عادت انتصابها

نیوشا طبیبی گیلانی  
روزنامه‌نگار

با انتخاب مدیری از بدنه سازمان حفاظت از محیط زیست، به‌ویژه آنکه ایشان سطوح مختلف را از کارمندی و کارشناسی تا مدیریت طی کرده‌اند، امیدواری به بهبود وضعیت طبیعت و حیات وحش بیش از گذشته است. در این عرصه مانند بسیاری از حوزه‌های دیگر، کشور ما درگیر بحرانی فراگیر است. البته که عده‌ای این بحران را باور ندارند و فوری از ازدیاد نسل یکی، دو گونه همچنین گسترش اندک جنگل‌ها در بعضی از مناطق شاهد می‌آورند. گونه‌گونی حیات وحش ایران و پهنه آن بسیار بیش از آن چیزی است که این عزیزان تصور می‌فرمایند. ما در کنار صدها معضل و مشکل در زمینه صید و شکار بی‌رویه، تخریب زیستگاه‌ها، ایجاد موانع بر سر راه مهاجرت‌های فصلی گونه‌های مختلف و مهم‌تر و فاجعه‌بارتر از همه تحلیل رفتن منابع آب زیرزمینی، مشکل بزرگ دیگری داریم و آن عظمت پهنه زیستی کشورمان است که برای اداره، پایش و حفظ آن نیاز به سازمانی چند ده برابر سازمان فعلی داریم. برای آنکه بتوانیم از طبیعت ایران به نحوی درست و دقیق حفاظت کنیم علاوه بر آن سازمان عظیم، نیاز به تجهیزات روزآمد، دانش و تجربه‌های جهان هم داریم.

کار حفاظت و ساماندهی طبیعت و پایش آن، بدون بهره‌گیری از سازمان‌های مردم‌نهاد و جوامع محلی عملاً امکان‌پذیر نیست. آیا سازمان حفاظت از محیط زیست می‌تواند در طول ۲۴ ساعت شبانه‌روز و هفت‌روز هفته، حتی منطقه‌ای به اندازه جنگل ناهار خوران را از نظر حفاظتی تحت نظر داشته باشد؟ امید است که در دوره جدید مدیریت بر سازمان حفاظت از محیط زیست، ارتباط با / استفاده از جوامع محلی بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد. ظرفیت عظیم علاقمندان داوطلبان، ذخیره بسیار مهم دیگری است که در دسترس سازمان قرار دارد. با آموزش صحیح این داوطلبان و سازماندهی آنها می‌توان از آنها به‌عنوان همیاران محیط زیست بهره برد. آنها می‌توانند با گستردن چتر آموزش و فرهنگ‌سازی تا دوردست‌ترین نقاط کشور، در تربیت نسلی سبز و حافظ محیط زیست نقش مهمی ایفا کنند.

روزگاری نه‌چندان دور، سفر کردن با قطار چندان غیر قابل دسترس نبود و اساساً محسوب می‌شد. در طول مدیریت آقای میعاد صالحی - بدون هیچ تجربه‌ای در مدیریت ریلی و حتی یک‌روز کار کردن در سازمان‌هایی با کارکرد مربوط - سوار شدن بر قطار برای مسافرت داخلی هم از دسترس عامه خارج شد. تلاش شخصی من در همین چند روز گذشته برای تهیه بلیت قطار تهران - مشهد، با ناکامی مدام مواجه شد، وقتی در پی جستن علت آن برآمدم، پاسخ خرید کلی و یک جای بلیت‌ها توسط آژانس‌ها عنوان شد. خیلی روشن و واضح رانتهی برای آژانس‌ها به‌وجود آمده و افراد خاصی می‌توانند بلیت قطارها را یک جا خریداری کنند و لایذ با سود فراوان به خلق الله بفروشند. اما کسی نفهمید که آقای میعاد صالحی - خوشبختانه در همین روزهای گذشته از کار کنار گذاشته شده‌اند - اساساً چه صلاحیتی برای تصدی مدیریت بر صندوق بانزشتگی کشور و بعد هم راه‌آهن سراسری ایران داشتند؟ اصلاً از کجا آمده بودند؟ جوان‌گرایی به این معناست که فرد بی‌تجربه‌ای را بر حسب «نخبه» برزیم و بر صدر سازمان‌ها و نهادهای حکمرانی بنشانیم تا به خرج مردم تجربه‌ی بی‌بندونند؟ این صفت «نخبه» که بی‌دلیل و دامن‌تی خرج می‌کنیم و عده‌ای را به آن می‌خوانیم، برای کشور هزینه دارد. وقتی آقا یا خانمی را به‌صرف تحصیلات معمولی دانشگاهی - کیریم بدون استفاده از رانت، سهمیه و ارفاق - نخبه بنامیم، دیگر نمی‌شود او را از جایگاهی که برایش ساخته‌ایم پایین آورد. همین الان آقای میعاد صالحی وارد چرخه مدیریت کشور شده‌اند، آن‌ها هم با کارنامه‌ای نه‌چندان خوب، آیا ممکن است ایشان به سمت کارشناسی در دستگاهی مرتبط با تحصیلات‌شان یا حتی تدریس صرف در دانشگاه رضایت دهند؟ چند نفر مثل آذری جهری می‌داشتیم که بعد از وزارت به کارمندی و کارشناسی در اداره‌ای که محل استفاده‌اش بوده، پسندند کند و بخواهد ادامه تحصیل دهد؟ معمولاً آنها که وارد دایره بسیار بسته مدیران دولتی می‌شوند، بعضی هم اسباب ترقی فرزندان‌شان که ژن خوب و برتری نسبت به مای رعیت دارند را مهیا می‌کنند.

## اعتراض مدنی حق مردم است

درباره تبرئه نویسنده کارزار برکناری مدیرعامل سابق راه‌آهن  
و یک حکم قابل تأمل در حق آزادی اعتراض



عکس: میزبان

خطا می‌رود اما کسی قاضی راه این خاطر تخطئه نمی‌کند. چرا که خطا جز طبیعت بشری است. در این جام ممکن است این سوال پیش بیاید که پس ارتکاب جرم چه معنایی دارد وقتی هر خطایی را می‌توان، حق بشر دانست؟ اول این که مرتکب خطا عملش نباید ناشی از سونیت و ناشی از تقصیر باشد. قصور قابل بخشش و چشم‌پوشی است انامی می‌توان تقصیر را پذیرفت و گمان کنیم مجازاتی در کار نخواهد بود. این در مورد همه اقشار جامعه و جملگی مشاغل از پزشک تا پلیس صادق است. انتقاد شهروندان هم شامل همین گزاره می‌شود و اگر قرار است از حق انتقاد کردن بر خوردار باشد، باید حق اشتباه کردن هم داشته باشد. با این حساب می‌توان گفت برای قاضی این پرونده (شکایت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران علیه شخصی به‌نام مسعود بیات با اتهام نشر اکاذیب رایانه‌ای)، مسلم شده است که این شهروند قصد سونیتی نداشته و در نتیجه تقصیری هم مرتکب نشده باشد.

او در ادامه درباره‌ی حق خطای انسان‌ها صحبت کرد و یاد آورد شد: «این موضوع بحثی جدی در جوامع پیشرفته است. این که حق خطا به‌خصوص در مورد روزنامه‌نگاران به رسمیت شناخته شود، اگر حق خطا را به رسمیت نشناسیم، همه مسئولان کشوری نتنها در ایران که در جهان، باید مجازات شوند چون همگی آن‌ها بلاشک در طول دوران مسئولیت‌شان مرتکب خطا می‌شوند. حال چطور است که تصور می‌شود در این میان تنها باید یقه شهروند و روزنامه‌نگار را گرفت؟ در حالی که این نشان‌دهنده ظلم و تبعیض در حق افراد است. بنابراین رویه باید به همین گونه‌ای باشد که حکم صادره نمونه‌ای از آن است.»

او با اشاره به حکم صادر شده برای نویسنده‌ی کارزار امضای راه‌آهن گفت: «استنباط قاضی این پرونده، استنباطی صحیح است که هم باید بیش از این مورد توجه قرار گیرد و هم در قوانین با صراحت بیشتری به آن اشاره شود. به‌ویژه قوانین کم‌کم در طول زمان تفسیر می‌شوند و جامی افتند. در نهایت این که اگر ما حق خطا را به رسمیت نشناسیم عملاً کنشگری را از هر انسانی گرفته‌ایم. خطا کردن در هر حوزه‌ای، طبیعت یک تصمیم انسانی است اما از یک سو باید مرز بین قصور و تقصیر را در نظر داشت و از سوی دیگر مرز بین حسن نیت و سونیت را. نتیجه این که اگر کسی با حسن نیت و ناشی از قصور مرتکب خطا شود، می‌تواند از مجازات مبرا شود.»

## ▼ فرهنگ سازمانی بر خورد سلبی با اعتراض

حامد یبندی، مدیرعامل پلتفرم کارزار، یکی از کسانی بود که راه‌آهن برای انتشار کارزار جمع‌آوری امضای کارکنان راه‌آهن از او شکایت کرده بود که در همان ابتدا از این جرم تبرئه شد. او با اشاره به حق اعتراض شهروندان به هم‌میهن گفت:



«کلید این موضوع به‌نظرم جدا از جنبه قانونی، خیلی جنبه فرهنگی هم دارد؛ چه در مقیاس جامعه، چه در مقیاس حکمرانان و حاکمیت. جد از این که این حق اعتراض به شهروندان داده شده اما این قانون توسط مسئولان درست فهم نشده است و حتی جاهایی که به ضرر خودشان هم بوده با اعتراضات و انتقادات به‌صورت سلبی بر خورد کرده‌اند. اساساً بر خورد سلبی با اعتراضات و انتقادات تبدیل به یک فرهنگ سازمانی در سطوح مختلف حاکمیت ما شده است.»

او که بارها با شکایاتی از این پلتفرم به‌دردسر افتاد می‌گوید: «در پلتفرم کارزار ما با نبوهی از شکایات مسئولان رده‌های مختلف مواجهیم. از نویسندگان کارزارها، از خود من به‌عنوان مدیرعامل پلتفرم با ادعای این که آن کارزارها نشر اکاذیب، تشویش عمومی بوده شکایت شده است، در حالی که آن مسئولان نمی‌توانستند بفهمند که آن کارزارها برای پاسخگویی و اقیان افکار عمومی بوده است و جالب اینجاست که حتی برخلاف توقع و تصور رایج، مسئولان رده پایین‌تر که باید راحت‌تر در دسترس باشند یا قابل نقدتر باشند، بر خوردهای بسیار تندی با آنها خصوصاً در قالب کارزارها دارند در حالی که می‌توانند از همان فضا به‌نفع خودشان استفاده کنند. نکته‌ای که وجود دارد اساساً این فهم در میان مسئولان ما شکل نگرفته که اگر اعتراضی صورت می‌گیرد و آن اعتراض به هر حال پشتوانه‌ای دارد وقتی این اعتراض در قالب یک کارزار باشد و نقدی مطرح می‌شود که چند هزار نفر امضایش می‌کنند دستور به حذف آن و حکم قضایی گرفتن برای نویسنده‌اش، مسئله رانزد افکار عمومی حل نمی‌کند؛ اتفاقاً یونانی تأییدکننده‌ی نقدی است که در کارزارها نسبت به مسئول شده است.»

گرچه در اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها بدون حمل سلاح، به آن که محل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است و یکی از حقوقی که برای مردم در نظر گرفته، حق اعتراض است، اما تاریخ ما نشان داده که خلاف این اصل عمل می‌کند و در بسیاری از موارد با برخوردهای قانونی، سلبی و قهری در برابر اعتراض مواجه می‌شویم. اما می‌توان امیدوار بود که حکم‌هایی از این دست بتواند حق اعتراض مدنی را برای شهروندان قائل شود.

## زینب کاظم‌خواه

خبرنگار گروه فرهنگ



ماجرای از اسفندماه سال گذشته آغاز شد، پرسنل راه‌آهن کرمان در اعتراض به شیوه‌ی مدیریتی میعاد صالحی خواستار برکناری او شدند. آن‌ها برای این که صدایشان را به‌بقیه پرسنل همان راه‌موسمی‌را رفتند که در بسیاری از اعتراضات مدنی صورت می‌گیرد؛ یعنی شرکت در کارزار جمع‌آوری امضاء. در این کارزار بیش از پنج هزار پرسنل راه‌آهن در اعتراض به مشکلات بزرگ و کوچک‌شان پای این نامه را امضاء کردند. امضاء کنندگان که امیدوار بودند مشکل‌شان به گوش مسئولان برسد با برخوردی سلبی مواجه شدند، از احضار توسط حراست راه‌آهن و گرفتن تعهد کتبی تا اخراج بعضی از کارکنان.

مسئولان راه‌آهن در برابر انتقادات و اعتراض مسالمت‌آمیز مشمشیر را از رو بستند و سعی در مقابله با این حرکت داشتند و مدیریت مجموعه در برخی موارد معترضان به وضعیت حقوقی شرکت را با تهدید به اخراج مواجه کرد که در چند مورد هم این تهدیدات عملی شد.

اما اقدامات مسئولان راه‌آهن به این جا هم ختم نشد، آن‌ها با رفتارهای گذشته و به‌اتهام دروغین بودن برخی از امضاءها از پلتفرم اینترنتی «کارزار» که فضای برای جمع‌آوری امضاء برای مطالبات مختلف است شکایت کردند اما مدیر این پلتفرم تبرئه شد. البته طبیعتی هم بود که تبرئه‌شود چرا که کارزار فقط یک پلتفرم است که بستری بی‌طرف فراهم می‌کند.

بعد از آن راه‌آهن از مسعود بیات نویسنده‌ی این کارزار جمع‌آوری امضاء به جرم نشر اکاذیب رایانه‌ای شکایت کرد؛ او که به‌خاطر راه‌اندختن این کارزار از کار برکنار شده بود و بعد از آن درگیر بالا و پایین رفتن از راه‌روهای عریض و طویل دادگاه بود تا جوابگوی چیزی باشد که فقط یک اعتراض مدنی و مسالمت‌آمیز برای احقاق حق خود و همکارانش بوده است.

در نهایت حکم نهایی نویسنده‌ی کارزار صادر و او تبرئه شد. در این حکم آمده است: «هدف نویسنده‌ی کارزار احقاق حقوق پرسنل شرکت بدون اعتصاب و اعتراض بوده است و حتی به فرض کذب بودن مطالب، سونیت متهم از نظر این شعبه محرز نمی‌باشد و اعتراض مدنی حق مردم است.»

## ▼ نیت شرافتمندانه

این که در این حکم آمده اعتراض مدنی حق مردم است در نوع خود جالب توجه است. کامبیز نوروزی حقوق‌دان در گفت‌وگو با هم‌میهن درباره‌ی حکم صادره‌شده نکات حقوقی را مطرح کرد و گفت: «در مورد کارزار مربوط به کارگران شرکت راه‌آهن، دادسرا به‌درستی قرار منع تعقیب صادر کرده است. در این حکم دو نکته مهم است؛ یکی این است که اولاً کذب بودن را احراز نکرده و دوم این است که به‌عنوان نویسنده‌ی کارزار اقرار کرده بود بلکه یک نیت شرافتمندانه و خیر داشته است. خیلی اوقات آقایان قضات یا بازپرسان از مسئله انگیزه در جرم نشر اکاذیب تا حدی غفلت می‌کنند اما در این پرونده دادسرا به‌بحث انگیزه دقت کرده است که اینجا انگیزه اقرار غیر مطرح نبوده است بلکه یک انگیزه غیر و شرافتمندانه وجود داشته، به همین دلیل هم قرار منع تعقیب صادر کرده است.» این حقوقدان با صحنه گذاشتن بر اهمیت جمله اعتراض مدنی حق مردم است در این حکم ادامه داد: «از طرف دیگر عبارت قابل اعتنایی در قرار منع تعقیب هست که تصریح شده که اعتراض مدنی حق شهروندی ایرانیان است. این از نظر ما مسلم است که تمام شهروندان کشور حق اعتراض مدنی دارند اما وقتی در یک تصمیم قضایی تصریح می‌شود این شایستگی توجه است و امیدواریم که در تمام دادسراها و دادگاه‌هایی که به جرائمی که در جریان فعالیت‌های مدنی افراد اتفاق می‌افتد به این ویژگی توجه کنند که حق اعتراض مدنی یک حق اساسی است.»

## ▼ لزوم به رسمیت شناخته شدن حق خطا

عباس عبیدی، روزنامه‌نگار و فعال سیاسی درباره‌ی حق اعتراض و انتقاد در گفت‌وگو با هم‌میهن گفت: «حکمی که داده شده براساس منطقی قابل دفاع است و آن منطق، برخورداری از حق خطاست. اگر من می‌توانم از دیگران انتقاد کنم و این یک حق است، پس حین انتقاد از حق خطا هم برخوردارم اما به‌شرط آنکه این خطا ناشی از سونیت و تقصیر نباشد. توجه کنید حتی هنگامی که یک قاضی حکمی برای اجرای عدالت صادر می‌کند، در آن حکم نیز احتمال



## چهره

## عبوس خندان



در این اواخر او را با نقش «سنان بن انس» در سریال «مختارنامه» می‌شناختند. سنان، یکی از اشرار حادثه کربلا بود که سر حسین بن علی (ع) را بریده است، گرچه در برخی دیگر آمده که سر حسین، توسط شمر بن ذی الجوشن بریده شد. با این حال رضا خندان این نقش سخت و متفوق را به خوبی در «مختارنامه» بازی کرد و به یکی از ماندگارترین نقش‌های او تبدیل شد. به‌جز این رضا خندان در فیلم‌هایی مثل «رای باز»، «رؤیای جوانی»، «شور عشق»، «دوزن»، «سفر به جزایه»، «اپایز بلند»، «مجنون» و «دندان مار» هم ایفای نقش کرده است. او متولد سال ۱۳۳۲ در شوشتر و فارغ‌التحصیل هنرهای نمایشی از دانشکده هنرهای دراماتیک دانشگاه تهران بود. فعالیت هنری خود را از سال ۱۳۴۸ آغاز کرد و سال ۱۳۶۶ به‌عنوان اولین تجربه‌ی سینمایی‌اش در فیلم «گمشدگان» به کارگردانی محمدعلی سجادی به ایفای نقش پرداخت؛ بازیگری که در نقش‌های عبوس خوب می‌درخشید، گرچه نامش خندان بود. ۱۱ سال پیش در چنین روزی رضا خندان در سن ۵۷ سالگی درگذشت.

## کتابخانه

## تحلیل اجتماعی زبان

یکی از اصیل‌ترین و قدیمی‌ترین نوع ارتباط انسان‌ها در طول تاریخ و در پهنه جغرافیا، ارتباط کلامی است. از آنجا که زبان با ابعاد مختلفی از وجود انسان‌ها در ارتباط است، علم شناخت آن را می‌توان با بسیاری از علوم دیگر مثل جغرافیا، جامعه‌شناسی، روانشناسی و... مرتبط دانست و به آن مثل یک نظام ساخته‌شده و مستقل از فرد و جامعه نگاه نکرد. کتاب «جامعه‌شناسی زبان» به قلم «برنارد اسپولکسی» ترجمه سیده‌نسترن پزشکی از جامعه‌شناسی به مسئله زبان و مسائل آن پرداخته است که به‌ویژه برای اساتید و دانشجویان، خواندنی است. این کتاب برای کسانی که با نگاهی جامعه‌شناسانه به زبان نظر می‌کنند و کسانی که با نگاهی زبان‌شناسانه به مطالعه جامعه و رفتارهای اعضای آن می‌پردازند، می‌تواند سودمند باشد. جامعه‌شناسان زبان، تنوع زبانی را یکی از ویژگی‌های ذاتی زبان در نظر می‌گیرند. آن‌ها بر این باورند که عوامل اجتماعی نظیر جنسیت، طبقه اجتماعی، تحصیلات، سن و قومیت در ایجاد تنوع زبانی نقش اساسی دارند.



جامعه‌شناسی زبان  
نویسنده:  
برنارد اسپولکسی  
مترجم:  
سیده‌نسترن پزشکی  
انتشارات:  
روزآمد

## تاریخ

## سومین انتخابات ریاست جمهوری



۱۰ مهرماه ۱۳۶۰، سومین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران برگزار شد. در این انتخابات ۴۶ نفر نامزد شدند اما صلاحیت پنج نفر تأیید شد:

[آیت الله] سیدعلی خامنه‌ای، محمدرضا مهدوی کنی، سید علی اکبر پرورش، سیدرضا زواره‌ای و حسن غفوری فرد. پیش از انتخابات، البته مهدوی کنی از قابلیت انصراف داد. مهمترین نامزد رخصلا حیت شده این انتخابات نیز ابراهیم یزدی، نماینده وقت مجلس شورای اسلامی، وزیر خارجه سابق و مسئول دفتر سیاسی هیئت آزادی بود. در این روز ۱۶ میلیون و ۲۹ هزار و ۲۹۴ نفر در انتخابات شرکت کردند و مشارکتی قریب به ۷۵ درصد در انتخابات را رقم زدند. سیدعلی خامنه‌ای با ۱۵ میلیون و ۲۴۵ هزار و ۸۴۵ رأی به ریاست جمهوری برگزیده شد. آرای سایر کاندیداها اما، هر یک، کمتر از آرای باطله بود. پرورش ۳۲۰ هزار رأی، غفوری فرد ۷۲ هزار رأی و زواره‌ای ۵۵ هزار رأی کسب کردند. جمع آرای باطله نیز ۳۳۵ هزار رأی بود.